



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجموعه مقالات



پایه های همایون

چیستی (مفهوم، مبانی، ابعاد و ویژگی ها)

چرایی (ضرورت، امکان، مطلوبیت)

چگونگی (الگوها، فرآیندها و روشها)





باسمه تعالی

نخستین همایش ملی تمدن نوین اسلامی

گواهی ایراد سخنرانی در همایش

هدف نهایی، نمی تواند چیزی کمتر از « ایجاد تمدن درخشان اسلامی » باشد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

احتراماً، گواهی می شود، جناب آقایان حسن ناصر خاکی و دکتر زاهد غفاری هاشجین

در همایش ملی تمدن نوین اسلامی مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۶ مقاله خود را تحت عنوان «مولفها و

راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن گرایان» ارائه کردند. ضمن تشکر،

توفیق ایشان را از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.

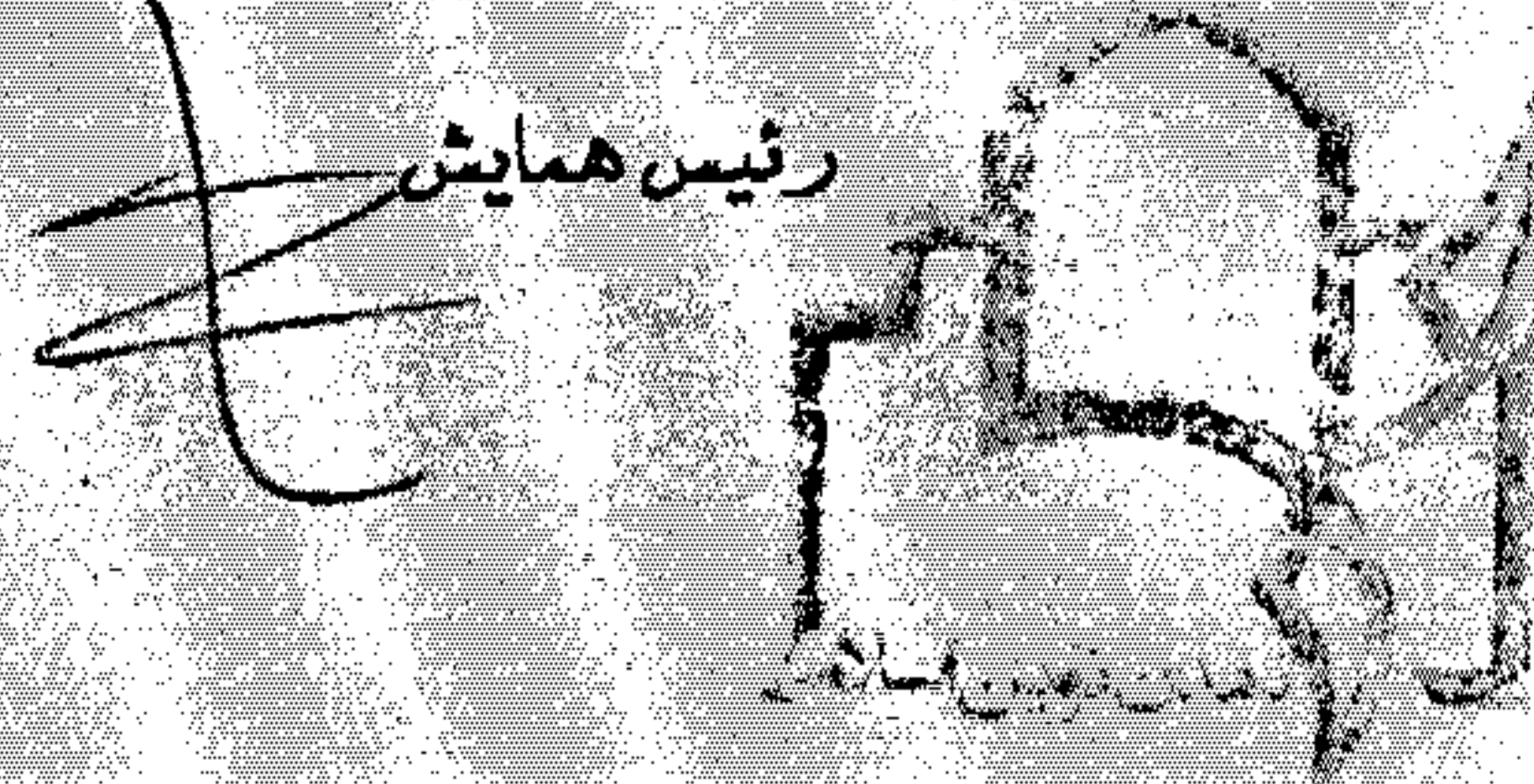
دکتر عبدالعلی توجهی

دبیر همایش



دکتر زهرا کیاسلاری

رئیس همایش



مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان

زاهد غفاری هاشجین^۱ و حسن ناصرخاکی^{۲*}

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

^۲ دانشجوی دوره دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

*Email: naserkhaki1@yahoo.com

چکیده

بازگشت جهان اسلام به دوران طلایی خود، دغدغه همه متفکران مسلمان در چند دهه اخیر بوده و هریک از منظری به این موضوع نگریسته و به ارائه راهبرد برای نیل به مقصود پرداخته‌اند. در این میان برخی از این متفکران که در این مقاله «تمدن-گرایان» نامیده می‌شوند در تحلیل علل عقب ماندگی و ارائه راهبردهایی برای حل این مشکلات، نگاهی تمدنی داشته و بازسازی «تمدن اسلامی» و یا ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را به عنوان چشم‌انداز مطلوب جهان اسلام در آینده ترسیم نموده‌اند. بر این اساس هدف اصلی این مقاله شناخت مولفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان است که بر اساس روش تحلیل اسنادی و با بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری از منابع به سوالات مقاله پاسخ داده شده است. با توجه به یافته‌های مقاله از منظر متفکران تمدن‌گرا، مولفه‌های تمدن نوین اسلامی به دو دسته مولفه‌های حقیقی (سبک زندگی و شبکه روابط اجتماعی مبتنی بر تعالیم اسلامی) و مولفه‌های ابزاری (سامان مادی و مواردی چون: ابتکارات، ابزارها، نهادها، اقتدار سیاسی و بین‌المللی) قابل تقسیم‌بندی است. در این منظر از جمله راهبردهای اساسی تحقق تمدن نوین اسلامی عبارتند از: قرآن محوری، علم‌گرایی، اسلامی‌سازی معرفت و جهان‌گرایی.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، مولفه‌های ابزاری، مولفه‌های حقیقی، قرآن‌محوری، علم‌گرایی، جهان‌گرایی.

مقدمه

هرچند مفهوم تمدن اسلامی و تلاش برای احیاء و یا شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ریشه‌ای تاریخی در جهان اسلام دارد با این حال این مفهوم در دو دهه گذشته برجسته گردیده و منشأ شکل‌گیری جریان اسلامی جدیدی که می‌توان آن را جریان تمدن‌گرایی نامید، گردیده است. مفهوم «تمدن» از جمله مفاهیم مهم در حوزه جامعه‌شناسی و تاریخ است و ادبیات بسیاری در مورد آن تولید شده و هریک از اندیشمندان از منظری خاص بدان پرداخته‌اند؛ برخی رو به گذشته دارند و تمدن را امری تاریخی می‌بینند، برخی حال را می‌نگرند و تمدن را همچون پروژه می‌انگارند، برخی چشم به آینده دارند و به فرجام تمدن می‌اندیشند، در این میان عده‌ای دل‌نگرانند و دهشت و بدفرجامی می‌بینند و عده‌ای دل‌خوش از غایت تمدن به تفرج مشغولند. [۱] در این میان تمدن‌گرایان مسلمان با نگاهی آینده‌گرا به دنبال تحقق تمدنی اسلامی هستند.

در توضیح اصطلاح «تمدن‌گرایی» نیز باید گفت که تمدن‌گرایان در کنار «نوگرایان» و «اصل‌گرایان» (بنیادگرایان) سه جریان اصلی اسلام‌گرا (اسلام سیاسی) در جهان اسلام هستند. تمایز این سه جریان در نحوه مواجهه آنان با سنت و اصول اسلامی و نحوه مواجهه با علم و تمدن غرب شکل گرفته است. برای «نوگرایان»، غرب به دلی‌ل قدرت، علم و فناوری و آزادی موجود در آن، الگویی جذاب است. آنها در برخورد با غرب، روی‌کردی تدافعی را اتخاذ کرده و درصددند علوم جدید و بهترین اندیشه‌های موجود در غرب را به شرط آنکه تصادمی با ارزش‌های اسلامی نداشته باشد برای ایجاد «مدرنیته اسلامی» به کار گیرند. برای نوگرایان سنت و اصول اسلامی حائز اهمیت است ولی در مواجهه با این سنت، ضرورت پیرایش سنت از خرافات را مطرح می‌نمایند. هر چند این جریان با مفهوم تمدن اسلامی موافق است ولی در آن مفهوم تمدن نوین اسلامی و تلاش در جهت شکل‌دهی به آن جایگاه چندانی نیافته و نگاه پروژه‌ای، مهندسی و اراده‌گرایانه در این زمینه را درست نمی‌دانند.

در مقابل، عده‌ای از اسلام‌گرایان که می‌توان آن‌ها را در جریان «اصل‌گرایی» (یا بنیادگرایی) دسته‌بندی کرد، روی‌کردی تعارض‌گرایانه را اتخاذ کرده و معتقدند که بین اسلام و تمدن غرب، تعارضی بنیادین وجود دارد. از منظر اصل‌گرایان، علم مدرن، عامل شکل‌گیری به جهالت نوین است و از آن باید پرهیز کرد. از منظر اصل‌گرایان راه حل مشکلات جهان اسلام بازگشت به اصول اسلامی و سنت سلف صالح و ایجاد «جامعه اسلامی» است. اصل‌گرایان رویکردهای عقلی و فلسفی به دین را نمی‌پذیرند و واژه تمدن و ترکیب «تمدن اسلامی» را یا واژه‌ای غربی دانسته و آن را برنناخته‌اند. [۲]

در این میان جریان فکری تمدن‌گرایی هرچند غرب را دچار جاهلیت می‌داند اما نگاهی نقادانه (نه متعارض یا خوشبین) به تمدن مدرن غربی دارد. تمدن‌گرایان در حوزه علوم انسانی قائل به تعارض (گسست) با غرب و علم مدرن هستند، ولی در حوزه علوم تجربی و فنی، قائل به تعامل با غرب (تداوم) یا جهت‌دهی به علوم غربی می‌باشند. تمدن‌گرایان در مواجهه با سنت اسلامی آن را بسیار اساسی دانسته و با در روی‌کردی عقل محور، فلسفه اسلامی را در کنار نصوص اسلامی ارج نهاده با روی‌کردی آینده‌گرایانه تحقق چشم‌انداز «تمدن نوین اسلامی» را برای جهان اسلام ترسیم می‌نمایند. سوالی مهمی که در اینجا قابل طرح می‌باشد چگونگی تحقق این چشم‌انداز از منظر تمدن‌گرایان است؟ در بطن این سوال اساسی، چهار سوال فرعی قابل طرح است:

۱- تمدن دارای چه معنا و مبانی نظری است و مراد تمدن‌گرایان مسلمان از این مفهوم چیست؟



تعالی و رشد او در گستره جهانی، از راهبردهای اساسی است که این تمدن می‌بایست آن را مدنظر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی، نحوه غلبه بر مشکلات و نیل به پیشرفت، دغدغه اصلی متفکران مسلمان در حوزه مسائل اجتماعی جهان اسلام در دوره معاصر بوده است. در این میان متفکران تمدن‌گرا با توجه به زمینه‌های موجود، و ضمن توجه به اندیشه‌ها و تجربیات سایر اندیشمندان از منظری تمدن‌گرایانه به آسیب‌شناسی جوامع اسلامی پرداخته و در این عرصه مشکلات فکری و تمدنی جامعه اسلامی را برجسته نموده‌اند. در مجموع می‌توان گفت تمدن‌گرایان معتقدند که بحران در فکر اسلامی و نفوذ افکار میراننده به حوزه فکری جامعه اسلامی از عوامل موثر در عقب ماندگی و افول جهان اسلام است. در این منظر تحقق تمدن نوین اسلامی چشم‌انداز مطلوب آینده‌ی جهان اسلام معرفی شده است. در این مقاله در راستای نکات فوق به توصیف دیدگاه تمدن‌گرایان در مورد چگونگی تحقق این تمدن در قالب چهار سوال فرعی در حیطه‌های: مفهوم و مبانی نظری، زمینه‌های شکل‌گیری این ایده، مولفه‌ها و راهبردهای اساسی تحقق این چشم‌انداز پرداخته شد.

در مجموع می‌توان گفت که تمدن‌گرایان در تعریف خود از تمدن از مفاهیمی چون حضور، جامعه، ارزشهای دینی، نظم، علم و پیشرفت استفاده می‌نمایند و به عبارتی تمدن اسلامی را یک جامعه نظم یافته بر مبنای ارزشهای اسلامی می‌دانند که امکان زندگی اسلامی، پیشرفت، سعادت و تعالی بشر (تحقق نقش خلیفه الهی) در آن فراهم است. این تمدن که از دو مولفه حقیقی و ابزاری تشکیل می‌گردد. از منظر تمدن‌گرایان اساسی‌ترین مولفه تمدن نوین اسلامی، تعالیم تمدن‌ساز اسلام است و می‌بایست با بهره‌گیری از این تعالیم، شبکه روابط اجتماعی و سبک زندگی مسلمانان را بر مبنای اسلامی و روزآمد بازطراحی نمود. این امر می‌بایست به گونه‌ای باشد که سامان مادی زندگی همچون؛ ابتکارات، ابزارها، نهادها، نظام‌ها، معماری، هنرها، صنعت، سیاست و اقتصاد بر مبنای الگویی اسلامی ایجاد گردند. برای نیل بدین مقصود، تمدن‌گرایان چند راهبرد اساسی را مطرح می‌نمایند که شامل مواردی چون؛ علم‌گرایی، قرآن‌محوری، اسلامی‌سازی معرفت و جهان‌گرایی است. از آنجا که تمدن نوین اسلامی می‌بایست بر محوریت تعالیم و ارزش‌های اسلامی ایجاد گردد، قرآن به عنوان منبع اصلی این تعالیم، اهمیتی راهبردی می‌یابد؛ لذا از منظر تمدن‌گرایان می‌بایست نگاهی راهبردی به قرآن داشت و با اجتهاد و تفسیری روزآمد و اصولی از تعالیم آن برای حل مشکلات جهان اسلام یاری جست. از سویی دیگر تمدن‌گرایان بر لزوم توجه به علم به عنوان منبع قدرت و ابزار حل مشکلات تأکید می‌نمایند و ایجاد یک نهضت نرم‌افزاری و یک خیزش و جهاد علمی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری می‌دانند. تمدن‌گرایان هرچند استفاده از علوم تجربی و فناوری‌های تولید شده در غرب را برای حل مشکلات پیش رو جایز می‌دانند؛ اما معتقدند که برای خلاصی مسلمانان از افکار میراننده غربی و ایجاد یک تمدن حقیقی اسلامی، راهبرد اسلامی‌سازی معرفت و تولید علوم انسانی اسلامی بسیار اساسی است و پیشرفت امت اسلامی و تجدید تمدن اسلامی به این امر منوط است. تمدن‌گرایان با توجه به اصل جهان‌شمولی اسلام، تحقق تمدن نوین اسلامی را نه تنها ضرورتی برای امت اسلامی بلکه ضرورتی برای نجات تمامی انسانها و رسالتی در جهت خروج جهان از انحطاط و نیل بشریت به تعالی موعود می‌دانند.